

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.  
۰۴ جولای ۲۰۱۳

## زن و حقوق وی در اسلام و افغانستان

۱

از دشمنان شکایت برند به دوستان  
چون دوست دشمنست، شکایت کجا بریم ؟

در این اواخر جر و بحث هائی در پارلمان معجون مرکب افغانستان به ار تباط قانون منع خشونت علیه زنان که در مغایرت با قرآن ، اسلام و قوانین اسلامی قرار داشته سر و صداهاى زیادی در هر گوشه و کنار به گوش می رسد و هم تظاهراتی به جانبداری از قانون منع خشونت و هم علیه آن البته با دست اندکار بودن جناح های مختلف سیاسی و اسلامیون واقعی در چند شهر صورت گرفته است. با وجودی که این قانون را نمی توان منحیث مدافع حقوق زنان به شکل کامل دانست و طرح های آن را مشکل گشای همه جانبه برای زنها در مجموع مخصوصاً زنهای افغان که از قید رسم و رواج های عنعنه ئی و قبایلی کشور در زنجیر های مستحکم فرمان های آسمانی به نام قرآن بسته شده دانست، اما به شکل نسبی توانسته توجه مراجع و بنیادهای نام نهاد حقوق بشر را که خود آنها هم تا گلو در منجلاب فساد اجتماعی و اخلاقی غرق اند جلب نماید و ایشان را در جبهه دفاع از حقوق زن در مقابل مرد و اسلام به شکل نسبی قرار دهد

تعدادی روی گرایش های ذاتی خود به دموکراسی نوع معمول آن به دفاع از حقوق زن پرداخته و تلاش دارند تا این قانون که قبلاً به شکل فرمان تقنینی آقای کرزی باید مرعی الاجراء می بود و توسط خانم فوزیه کوفی (البته خوانندگان وقایع و جریانات کشور مطلع اند که خود خانم کوفی از جمله بزرگترین قاچاقچی های مافیائی مواد مخدر در کشور می باشد) به پارلمان افغانستان غرض تصویب راجع ساخته شد تا شکل قانون را به خود بگیرد، البته صرف نظر از این که این قانون یک و نیم سال قبل روی ملحوظات خاصی از طرف کرزی توسط فرمانی ابلاغ شد و این که چرا خانم کوفی بعد از این همه مدت در چنین موقعیت حساس ارتجاعی که خطر هائی از جوانب مختلف، کشور و ملت را تهدید می کند در پارلمان طرح نموده است باید در باره شکل ظاهری این عدالت خواهی و عمق دسیسه مند آن را در نظر داشته باشیم.

باید خاطر نشان سازم از همچو دولتی ، پارلمانی و مراجع قضائی که خود همه جنایت پیشه ، خاین، گرگ صفت، آدم کش، متجاوز، زور گو و همچنان نوکر اجانب می باشند طرح و عملی ساختن هیچ نوع قانون و مقررات انسانی از آنها توقع نرفته و هر نوع رفاه و آسودگی دور از انتظار می باشد. یعنی این قانون وضع شده که عکس العمل های تعدادی زیادی از دست اندر کاران چپاول و زور گوی را در قبال داشت، با بر داشتی که از ماهیت چنین دولت دارم

نظری نمی توانم در جزئیات داشته باشم اما این که چرا به چنین موضوعی علاقه مند شدم این بود که این قانون به شکل واضح و آشکار افشاءگر موضوعاتی بود که در تضاد با اسلام قرار گرفته است و همین کودن های پارلمانی واضحاً می گویند که منع خشونت علیه زنان خلاف دین اسلام است؟؟

در فرمان و یا قانون متذکره موادی وجود دارد که ظاهراً از آزادی زن سخن می راند مواد این قانون که نسبتاً از آزادی های زن صحبت می دارد خلاف هدایات دین اسلام ، قرآن و حدیث می باشد از اینکه در قانون اساسی افغانستان گنجانیده شده است که هیچ قانونی در کشور نمی تواند تصویب و عملی گردد که خلاف هدایات دین اسلام باشد این فرمان و یا قانون هم نمی تواند اجرا پذیر باشد مخصوصاً این که اعضای پارلمان افغانستان متشکل از افرادی هستند که اکثراً سابقه ننگین ، آدمکشی ، جنایت ، چپاول ، دزدی ، بی ناموسی ، قتل غارتگری ... دارند یعنی واقعاً تمام صفات اسلامی و مسلمانی در آنها موجود است و همچنان کمتر عضو پارلمان را می توان یافت که کمتر از دو زن داشته باشند و تعدادی از آنها هم به علاوه دو ، سه و یا چهار زن یکی یا دو نفر (بچه) هم دارند ، البته بچه نه به مفهوم فرزند !!!؟؟

امروز زن افغان بعد از هزاران سال زجر و ستم و اسارت مردان و عنعنات قبیله ئی ، ستم اجتماعی، مظلوم قانونی و شکنجه های قرون وسطائی اسلام در ترکیبی از فرهنگ بومی خانوادگی نمی توانند حتی تصور آزادی را به مفهوم واقعی آن نمایند تا چه رسد به لین که باطرح همچو قانونی و خواستار عملی شدن آن باشند

واضحاً در طراحی این قانون که حد اقل آزادی را در چوکات خاینانه ترین طرح ها بر مبنای دموکراسی پاکستانی، ترکی ، امریکائی، ایرانی و غیر انسانی برای زن خواسته اند می بینیم که با اسلام و قوانین آن در تضاد است ، به این مفهوم که یا این قانون (منع خشونت علیه زنان) بد است و دموکراتیک نیست و یا این که اسلام در تقابل با آزادی انسان ها مخصوصاً زنان قرار دارد و امیدوارم آنانی که خود را محققین اسلامی، داکتران ، پرو فیسوران اسلام و ... اسلامی دانسته سالها گوش مردمان بیچاره ما را کر نموده و یا هم صفحات نشرات اینترنتی و غیر آن را با چرندیات خود پر نموده اند قدم پیش گذارند و دراین راستا یگ چیزی از اسلام ، به نام اسلام، حقانیت اسلام، قانون اسلام ، و یا هم در دفاع از اسلام بنویسند تا این مردم بیچاره و زجر کشیده ما اضافه تر از این شست و شوی مغزی نشده و از ادیان مخصوصاً دین اسلام برداشت درست داشته باشند.

چیز های ابتدائی پیرامون دفاع از حقوق زن دراین قانون چنین است : مرد حق ندارد از خشونت علیه زنان استفاده نماید

مرد حق ندارد بدون دلیل و برهان اضافه تر از یک زن داشته باشد و همچنان خلاف فتوای آقای ستار سبیرت و داکتر نیازی فارغ التحصیل الازهر سن ازدواج برای دختران ۱۶ سال تعیین شده است یعنی دختر ۴ ساله و ۶ساله را نمی توان به عقد نکاح در آورد که این موضوع خشم آقای ملا نیازی را به درجه ای باعث شده که در تلویزیون کابل به فریاد آمد که نظر به این قانون محمد جنایت کار حساب می شود !!!؟؟

و این همه ماده های قانون مغایر احکام اسلام و منافع اکثریت مدافعین اسلامی و همچنان وزراء ، وکلاء و قضات و جهادی های دنباله رو است و اسلام چنین آزادی نسبی را به زن قبولدار نیست ، در طول تاریخ نپذیرفته و آینده هم نخواهد پذیرفت، چون در قرآن زن منحیث ملکیت و دارائی مرد حساب شده است به این معنی که زن جزء املاک قانونی و شرعی مرد بعد از نکاح می گردد و این امکان پذیر نیست که مرد به شیء ، جنس و یا آنچه کاملاً متعلق به اوست آزادی دهد؟؟ این غیر ممکن است برای این که احکام شریعت اسلامی آن را نمی پذیرد و مملکت ما هم یک کشور اسلامی است فلذا هیچ حکمی ، قانونی ، فرمانی ، هدایتی، رهنمودی ولو هر قدر انسانی باشد نمی تواند در کشور ما شکل عملی به خود بگیرد ، چون در تضاد با اسلام و هدایاتش می باشد

در جامعه ما دین اسلام با داشتن ماهیت مرد سالار و زن ستیز خود از صد ها سال به این طرف رخنه نموده و با سنت های دیرین کوهپایه های کشور پیوند عمیق خورده و در دفاع از منافع مرد سالارانه حق مشروع زن حتا ابتدائی ترین و طبیعی ترین حق آن ها پایمال شده است.

یکی از دلایلی که مردان مسلمان ما زیاد تر به تناسب مسلمانان اکثر کشور های اسلامی به تأیید و تسلط اسلام پافشاری دارند همین امتیازاتی است که اسلام به مرد ها داده است.

من در جریان نوشته هایم از این احکام نا متوازن اسلام در باره حقوق انسانی مخصوصاً زن ها نوشته ام اما بدبختانه یک تعدادی که خود را منحنی پژوهشگران اسلامی، داکتران اسلامی، پرو فیسور های اسلامی و ... در جامعه جا زده اند هرگز حاضر نشدند تا با هم در این موارد صحبت های داشته و سبب روشننگری نکات مبهم و تاریک و یا هم احتمالاً مجهول اسلامی گردیم.

آن ها همیشه داد زدند، نوشتند و فریاد کشیدند که دین اسلام دین برابری، برادری و... است در اسلام حقوق مرد و زن مساوی است زنان ... اختیار بیشتر دارند.

اما همین که مسأله ای به این ارتباط و یا هم موضوعات سؤال بر انگیز در اسلام مطرح شده جنابان همین نخبه های اسلام فرار را بر قرار ترجیح داده و حاضر به صحبت و حل و فصل موضوعات نشدند اما بعد از مدتها خاموشی از یک سایت دیگر سر بر آورده و چند سطری پیرامون احادیث، معجزات و ... پرداختند در حالی که این مسایل حل کننده مشکلات مردم نمی باشد باید به روشن شدن آن مسایلی پرداخت که حیثیت تهداب و بنیان تفکرات مردم ما را می گذارد باید راجع به آن ها صحبت نمود؛ اما متأسفانه و بدبختانه این آقایان خیلی علاقه دارند راجع به آن موضوعاتی صحبت دارند که طرف آنها به آن اندیشه ها به نفع خود شان معتقد است و آن زمان است که گل آقای (رهنمای اسلام) می شکفت و آنچه در شکم دارد تخلیه می کند و اگر جزئی ترین احساسی نماید که طرف مقابلش نه تنها موافق به گفتار او نیست و نخواهد بود، حتی ریشه و بنیان آنچه او به آن استدلال می کند آن را هم رد می کند دیگر برای شان گنجایش صحبت وجود ندارد. به فتوای کفر و زندیق و ارتداد پناه برده و اگر آنهم کارگر نیفتاد فرار بهترین وسیله ای است که تشخیص داده اند.

خوب به هر صورت بنده با تأیید نوشته های قبلی ام (همه) در مورد روشننگری پیرامون عقاید دینی ایستاده بوده و از آن ها دفاع می نمایم تا هنوز هم که مدتی اضافه تر از سه سال از نوشته هایم می گذرد خواهان کسی، هموطن با دانش و یا بی دانش اسلامی هستم که آگاهانه جلو آمده و آن همه سوالات من و هموطنان را بدون فحاشی جواب داده و به روشنی اذهان ما بیفزایند هنوز هم دیر نشده است !!؟؟ ورنه شرافتمندانه باید از دین فروشی، استدلال دینی و دفاع از فلان شیخ و مفتی و هدایات اسلامی توبه نموده گوشه عزلت گزیده و به دربار خدا از گناهانی که به صوابدید ارتجاع، استعمار و بادران خود (آگاهانه و یا نا آگاهانه) مرتکب شده اند پوزش بخواهند و به پیشگاه ملت مظلوم و خوشباور ما هم دست به سینه گذاشته و اعتراف کنند آنچه تا حال گفته اند و یا روایت کرده اند یا نمی دانستند و یا هم زیر فشار استعمار بین المللی و اخذ معاش در مقابل خدمت مجبور بودند چنین خیانتی را مرتکب شوند.

شاید و به احتمال قوی این مردم خوش باور آن ها را خواهند بخشید.

می رویم به دنباله گیری در تضاد بودن قانون منع خشونت علیه زنان و اسلام ناب محمدی.

طوری که قبلاً تذکر یافت از این قانون فقط در دو مورد آن مکث خواهیم نمود یکی خشونت به معنی لت و کوب نمودن زن ها از طرف مرد ها و دوم این که محدود ساختن ازدواج مرد ها.

در مورد مسأله اول : لت و کوب نمودن زن ها از طرف شوهران، برادران شوهر، مادر شوهر، پدر شوهر، حتی خواهران شوهر و در بعضی موارد بزرگان فامیل و اقارب شوهر ؟؟؟!! در کشور ما سابقه تاریخی داشته و می توان

با در نظر داشت رشد فرهنگی و اجتماعی مردمان کشور ۹۵ در صد از زنان افغان را شامل این کتگوری دانست و این خود نشاندهنده موضوعی است که حقیقت عینی داشته و همچو خشونت هائی در تطابق کامل با احکام شرعی اسلامی در مملکت ما رواج دارد.

ادامه دارد